

هدفمندی یارانه‌ها و بورس ما

است فضا را به حدی ملتهب کند که در این فضا، بورس حتی همین بررسی کارایی محدود خود را از دست بدهد. در این حالت، شرکت‌هایی که تحت تأثیر مثبت فشار تورمی هستند، بیشتر سود می‌کنند و از رانتی که برایشان ایجاد می‌شود بهره مند می‌گردند. در واقع، یک فرصت کنترل نشده و باد آورده برای این شرکت‌ها به وجود می‌آید. آنهایی هم که در این وضعیت متضرر می‌شوند، مجدداً به دلیل ناتوانی در کنترل این پدیده متضرر خواهند شد.

در واقع، اجرای نادرست هدفمندی یارانه‌ها، برخی شرکت‌ها را بی‌جهت به اوج برده و بعضی را بی‌جهت ورشکست می‌کند که امید است این فشار تورمی، کنترل شده باشد. ■

از مواردی که در تحلیل بازار سرمایه باید به کنکاش گذاشته شود، تبعات هدفمندسازی یارانه‌ها است. اگر هدفمندی یارانه‌ها - که تحقق آن برای دستیابی به اقتصاد توسعه یافته یک الزام است - صحیح اجرا شود، فشار تورمی ناشی از آن به مرور زمان از سیستم حذف می‌شود. در این شرایط، برخی شرکت‌های فعال در بورس به دلیل همان فشار تورمی احتمالی - که دولت می‌تواند با اجرای درست طرح، آن را کنترل کند - منفعت خواهند برد و طبعاً بعضی از شرکت‌ها هم ضرر می‌کنند. اما بی‌شک می‌توان با مدیریت صحیح اجرای این طرح، ضرر چنین شرکت‌هایی را هم کاهش داد. از سوی دیگر، در صورتی که قانون مذکور به درستی انجام نشود، فشار تورمی حاصل، ممکن

زیرساخت‌ها و یارانه‌ها در ایران

رهایی از گرداب

نگاه آقای فرهنگ کاشف بهرامی، کارشناس ارشد مسایل اقتصادی، به مقدمات و مؤخرات آزاد سازی قیمت‌ها



به کاهش جذب نیروی انسانی در بخش‌های تولیدی، بازرگانی و خدماتی خواهد شد.

پیدایش جامعه اطلاعاتی

در کشور ما هنوز پایگاه‌ها و کانال‌های ورودی اطلاعات و ارتباطات برای دریافت وضعیت کامل معاش خانوارها در سطح کشور به وجود نیامده و نمی‌توان روی اطلاعات و ارقام بعضاً اشتباه موجود هم برنامه ریزی کرد. به علاوه، ایجاد کانال‌ها و پایگاه‌های جذب اطلاعات دقیق، صحیح، کامل و به هنگام از وضعیت خانوارها به ایجاد زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی نیاز دارد و به دلیل آن که هنوز جامعه ما یک "جامعه اطلاعاتی" نشده و تصمیم‌گیری‌ها بر مبنای اطلاعات صورت نمی‌پذیرند، عمده‌تأسیسات و سیاست‌گذاری اقتصادی عامل اجرای رهنمودهای اقتصادی است. این موضوع، موجب تخریب نقش علمی اقتصاد و قواعد آن می‌شود. لذا باید دانش محوری علوم اقتصادی، اجتماعی و انسانی ملاک تصمیم‌گیری‌ها باشد.

افزایش قیمت‌های نفت، هر چند منابع خوبی را برای کشور ما فراهم می‌کند، اما یک پدیده شناخته شده در صنعت زدایی است و بخش خصوصی را در رونق صنعت - که بدون شک از ارکان مهم اقتصاد رقابتی است - دچار مشکلات عدیده‌ای می‌کند. بر اساس تحقیقات به عمل آمده، عموماً کشورهای صادرکننده نفت، صنعتی نمی‌شوند و تا صنعتی نشویم، نمی‌توانیم فرصت‌های شوم که ریشه آن، جامعه اطلاعاتی و ارتباطی است.

این که تا کنون اقدامات کافی در رابطه با شعار اصلاح الگوی مصرف صورت نگرفته، به دلیل عدم شناسایی دقیق شاخصه‌ها و استانداردهای جهانی الگوی مصرف و عدم طراحی سیستماتیک و نظام‌مند اقتصادی است. اقتصاد ما نباید بسته باشد و بسته بماند. تخصیص صحیح منابع اقتصادی، مالی و انسانی در کشور باید بر اساس نظام تقسیم کار و بر مبنای مزیت‌های نسبی مشخص شده در اقتصاد کشور صورت بگیرد تا از آنجا، سرشاخه‌های الگوی مصرف مردم همسو با روند جهانی آن حرکت کنند. ■

نظام یارانه‌ای، گرداب اقتصاد مبتنی بر بازار رقابتی است. با عنایت به این که حدود ۷۵ درصد از درآمدهای بودجه از منابع نفتی - که متعلق به همگان است - تشکیل می‌شوند، قاعدتاً مردم ایران باید به یک نسبت از یارانه‌ها بهره مند گردند.

با توجه به این که همه ساله رقم یارانه‌ها به علت روند افزایشی جمعیت کشور افزایش می‌یابند، نظام قیمت‌گذاری خدمات و کالاهای مشابه، جایگزین و مکمل، با وجود خیل عظیم کالاها و خدمات یارانه‌ای مخدوش گردیده و بدون تردید، این سیستم یکی از عوامل مهم اختلال در نظام اقتصاد مبتنی بر بازار رقابتی است.

برای کاستن این فشار و حذف کلی یارانه‌ها، چند راه حل معقول اقتصادی قابل ذکر وجود دارد که به نظر از روش کنونی کم‌ریسک‌تر بودند. راه اول این است که کل رقم یارانه‌ها در یک دوره ۱۰ ساله به صفر می‌رسد. اشکال عمده این روش تداوم بی‌عدالتی‌های موجود در توزیع یارانه‌ها است که تا پایان دوره کامکان ادامه خواهد یافت.

روش دوم، حذف یارانه بعضی اقلام مانند بلیط مترو، یارانه سوخت هواپیماهای تجاری و بنزین است که خلاف عدالت اجتماعی است. یارانه نان هم از دیگر مواردی است که نیازمند اصلاح در راستای حل مشکلات فعلی موجود در مصرف آن از قبیل نامرغوبی، ضایعات و برخی سودجویی‌ها می‌باشد. در این زمینه هم پیشنهاد می‌شود یارانه نان به صورت نقلی و مستقیم بین افراد نیازمند (بعد از شناسایی دقیق و همه جانبه آنها) پرداخت گردد.

سومین پیشنهاد، حذف کلی یارانه‌ها و فروش کالاهای یارانه‌ای به قیمت اصلی یا بین‌المللی و توزیع ماهانه بون خرید کالا با استفاده از سیستم کد ملی و کنترل محلی است. در این روش، تمام افراد غیرمرفه به یک نسبت از یارانه بهره‌مند می‌شوند و دولت می‌تواند با رقم تقریباً ثابتی که همه ساله پرداخت می‌نماید، بودجه‌های عملیاتی و شفاف را تنظیم کند. بدیهی است با اجرای این روش، میزان هزینه ۷۰ درصد از جمعیت کشور از مبلغ یارانه‌ای که می‌گیرند تجاوز نخواهد کرد، ولی حدود ۳۰ درصد دهک‌های متوسط به بالا و ثروتمند که مصرف بیشتری دارند، مازاد یارانه را از جیب پُرفوت خود پرداخت خواهند نمود و از این طریق، توزیع درآمدهای ملی در استان‌های کشور با رعایت پارامترهای جمعیت، وسعت استان و ضریب محرومیت انجام می‌گیرد. علاوه بر این، برای هدفمندی یارانه باید نظام عادلانه و معقول توزیع کالاها و خدمات به دور از فعالیت‌های واسطه‌ای شکل بگیرد.

بر اساس مطالعات سازمان امور مالیاتی، حدود ۳۵ تا ۴۰ درصد اقتصاد ایران، اقتصاد زیرزمینی است که از ذره بین ممیزین مالیاتی دور مانده است. هدفمند کردن یارانه‌ها، اگر بدون از میان بردن کامل نظام واسطه‌ای و این حجم عظیم اقتصاد زیرزمینی صورت پذیرد، تورم را تشدید خواهد کرد. در چنین شرایطی، فرآیندهای واسطه‌ای با رانت خورای‌های